آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب ترجمة الصلوة

مؤلف متن علامه مجلسی دوم محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر ۱۲ ق نوع خط نسخ تعداد سطر ۲۰

جزء کتب رقعه زبان فارسی عدد اوراق ۸۹

طول ۲۴ عرض ۱۵/۵ شماره عمومی ۲۵۰۸۹

وقفی / خریداری وقف / خریداری تاریخ

ملاحظات

اندازه نوشته: ۹/۵×۱۷/۵

بجمیع آنچه در ابد الآباد آفریده است و هرچه را اراده کند موجود شود بمجرد اراده
موجود میشود و چون آدمی فکر کند در هر ذره از ذرات کاینات بر او
ظاهر میشود که خداوندی دارد که او را ایجاد کرده است و آدمی بخود راه
نمیدهد که کاری عبث بکند یقین که تجویز نخواهد کرد که خداوند او
که قدرتش بی کمال است و علمش لایزال است کاری که بیجا عبث باشد بکند
و هرچه کرده است و میکند عین حکمت و مصلحت بندگان است دیگر خود
فرموده است که من همه خلایق را آفریده ام که بندگی کنند مرا و نه آنست که محتاج
به بندگی ایشان باشم بلکه میخواهم که بندگی کنند مرا تا قابل ثوابهای غیر متناهی
من شوند و چون میان بندگان و خداوند ایشان بعد عظیمی بود و هر
کس قابل یافتن مراد الهی نبودند جمعی از ایشان را قابل رسالت کردانید و
بجمیع کمالات موصوف ساخت و ایشان را بخلایق فرستاد و هر یک از ایشان را
معجزات کرامت فرمود تا بخلایق ظاهر شود که ایشان از جانب او بخلق آمده اند
از انجمله پیغمبر ما صلی الله علیه و آله را فرستاد و زیاده از هزار معجزات
باو کرامت فرمود و از جملهٔ خصایص آن حضرت است که معجزهٔ آن حضرت تا قیام
قیامت باقی خواهد بود بخلاف سایر انبیا که معجزات ایشان مخصوص زمان
حیوة ایشان بود و بس و آن قرآنست که جمیع عرب را فرمودند که مثل قرآن بیاورند
عاجز شدند و باز فرمود که سوره بیاورند و نتوانستند و باز فرمود که
مساوی یک سورهٔ صغیری بیاورند و نیاوردند همه اعتراف نمودند
بعجز هر که تعصب نورزید بشرف اسلام مشرف شد و اعجاز قرآن از وجوه
بسیار است اوّل از جهت فصاحت و بلاغت که در اعلا مرتبه است دوم از

بماند مردم بعد از او بخوانند سیم درختی که بکارد و مردم از او منتفع یابند چهارم
آبی که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که خلق خدا منتفع کردند ششم سنتی
که مردم بان عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب و مانند آن

هذا کتاب ترجمة الصلوة من کلام ملا محمد باقر مجلسی علیه الرحمة

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید المرسلین محمد و عترته الاکرمین
بعد چنین گوید احقر عباد الله محمد باقر بن محمد تقی که چون نماز عمده ارکان
دین است می باید بنده مؤمن شرایط و آداب انرا بداند از انجمله میباید
بداند که خداوندی دارد که همه آسمانها و زمینها و خلایق را آفریده
بهر عاقلی ظاهر است که هیچ بنایی بی بنا نمیباشد واگر هزار کس گویند
بطفلی که اندک شعوری داشته باشد که فلان بناء خود بخود بهم رسیده
البته ان طفل قبول نمیکند پس وجود حق سبحانه و تعالی ظاهر است نزد هر عاقل
ولیکن میباید که خداوند خود را منزه داند از انکه شبیه بمخلوقی از مخلوقات
داشته باشد پس بداند که جسم نیست مانند هوا و نور و بزرگ و کوچک
و رنگ و بو و مزه ندارد و شنیدن و بوییدن و چشیدن و لمس کردن
احساس او نمیتوان کرد و مکان ندارد و در عرش و کرسی نیست با
انکه در همه جا است در هیچ جا نیست باین معنی که علم و قدرتش بهمه
چیز احاطه کرده و لیکن عقل بکنه ذات او نمیتواند رسید نمی بینید
که کور مادرزاد که علم دارد که سرخ و سبز و زرد می باشد اما تصور
رنگها نمیتواند کرد و هرچه تصور کند غلط کرده است دیگر بداند که
حق سبحانه و تعالی قادر است و بقدرت کامله همه اشیا را از علم بوجود
آورده و عالم است بهمه اشیا و همه نزد او ظاهر است و در ازل العلم ذات

بجمع

بجمیع آنچه در ابد الآباد آفریدنی است و هرچه را اراده کند موجود شود بمجرد اراده
موجود میشود و چون آدمی تفکر کند در هر ذرّه از ذرات کاینات بر او
ظاهر میشود که خداوندی دارد که او را ایجاد کرده است و آدمی بخود راه
نمیدهد که کاری عبث بکند یقین که بجویز نخواهد کرد که خداوندا و
که قدرتش بی کمال است و علمش لایزال است کاری که بد یا عبث باشد بکند
و هرچه کرده است و میکند عین حکمت و مصلحت بندگان است دیگر خود
فرموده است که من همه خلایق را آفریده ام که بندگی کنند مرا دنه آنست که محتاج
به بندگی ایشان باشم بلکه میخواهم که بندگی کنند مرا تا قابل ثوابهای غیر متناهی
من شوند و چون میان بندگان و خداوند ایشان بُعد عظیمی بود و هر
کس قابل یافتن مراد الهی نبودند جمعی از ایشان را قابل رسالت کردانید و
بجمیع کمالات موصوف ساخت و ایشان را بخلایق فرستاد و هر یک از ایشان را
معجزات کرامت فرمود تا بر خلایق ظاهر شود که ایشان از جانب او بخلق آمده اند
از انجمله پیغمبر ما صلی الله علیه و آله را فرستاد و زیاده از هزار معجزات
باو کرامت فرمود و از جملهٔ خصایص آن حضرت است که معجزهٔ آن حضرت تا قیام
قیام قیامت باقی خواهد بود بخلاف سایر انبیا که معجزات ایشان مخصوص زمان
حیوة ایشان بود و بس و آن قرآنست که جمیع عرب را فرمودند که مثل قرآن بیاورید
عاجز شدند و باز فرمود که سوره بیاورند و نتوانستند و باز فرمود که
مساوی یک سورهٔ صغیری بیاورند و نیاوردند همه اعتراف نمودند
بعجز هر که تعصّب نبود زید بشرف اسلام مشرّف شد و اعجاز قرآن از وجوه
بسیار است اوّل از جهت فصاحت و بلاغت که در اعلا مرتبه است دوم از

از جهت نظم و اسلوب که شنیده بودند مثل آن را سیم از جهت احاطه بجمیع علوم
اوّلین و آخرین چنانچه زیاده از هزار سالست که چندین هزار عالم و فاضل
در آن غور مینمایند و استنباط علوم میکنند و بقطره از آن در یا نرسیده اند
و هرچند بیشتر فکر کنند بیشتر ظاهر میشود با آنکه آنحضرت تردد عالی نزد
نکرده بود بلکه در میان عرب خصوصا در مکه معظمه عالی نبود مع هذا خبر
میداد از جمیع کتب پیغمبران و از جمیع احوال ایشان چهارم آنکه هر کتابی و
حکایتی را که دو بار خواندن بار سیم نمیتوان خواند و شنید بخلاف قرآن
که اگر صد هزار مرتبه خوانده شود رغبت زیاده میشود پنجم آنست که در قرآن
مجید حق سبحانه و تعالی خبر از آینده بسیار داده که همه واقع شده و بسیاری
دیگر خبر داده که واقع خواهد شد ششم آنکه شفای همه دردهاست و دافع
و رافع همه بلاهاست هر آیه را که از جهت هر مطلوبی از روی اخلاص بخوانند
البته آن حاجت روا میشود و بیان اعجاز و معجزاتی که مشتمل است قرآن
مجید بر انها حصر نمیتوان کرد و همچنین معجزات دیگر که از آنحضرت ظاهر
شده مانند زنده کردن مردگان و شق قمر و گواهی دادن سنگ و چوب
و در و دیوار بر پیغمبری آنحضرت و همچنین معجزاتی که بر دست حضرت امیر
المؤمنین و حضرت ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین ظاهر شده
چنانچه دلیل حقیقت امامت ایشانست دلیل نبوت آنحضرت است زیرا که آن
جماعت با این معجزات تصدیق نبوت آنحضرت کرده اند بلکه معجزات همه
دلیل وجود واجب الوجود نیز هست چنانچه جمیع پیغمبران که معجزات مینمودند
خلق میگفتند که اگر خدا نمیبود ایشان کی قدرت بر این امور میداشتند

دلایل

و باید اعتقاد کند که بعد از حضرت رسول صلی الله علیه حضرت امیر المؤمنین
علی ابن ابوطالب خلیفه و جانشین آن حضرتست و اطاعت او بر همه خلق واجبست
و بعد از او امام حسن و بعد از آن امام حسین و بعد از آن امام زین العابدین
و بعد از آن امام محمد باقر و بعد از آن امام جعفر صادق و بعد از آن امام موسی
کاظم و بعد از آن امام رضای ضامن و بعد از آن امام محمد تقی و بعد از آن امام
امام علی نقی و بعد از آن امام حسن عسکری و بعد از آن امام محمد مهدی صاحب الزمان
که امام این زمانست و غایب است و ظاهر خواهد شد و عالم را پر از عدالت
خواهد کرد و همه کافران و مخالفان را بدین خود در خواهد آورد و چون
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله از حج وداع رجوع نمودند و
بغدیر خم رسیدند امر الهی رسید که آنحضرت علی ابن ابوطالب را وصی و جانشین
خود نمایند و بعد از آن حضرت یازده معصوم دیگر را فرمودند که خلیفه
و جانشین من خواهند بود بترتیب و امام دوازدهم غایب خواهد شد
و عالم را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آنکه پر از ظلم و شده باشد و
دیگر می باید که اعتقاد کند بآنکه هر چه خاتم پیغمبران فرموده است حق است
و از انجمله آنست که چون حضرت مهدی صلوات الله علیه خواهد شد
دشمنان ایشان را زنده خواهد کرد و بسیاری از خواص شیعه نیز
زنده خواهند شد و شیعیان داد خود را از دشمنان ایشان خواهند خواست
چنانکه حق سبحانه و تعالی خبر داده است و باید اعتقاد کند در قرآن مجید
خبر داده از آن یا سایر اخباری که حق سبحانه و تعالی خبر داده است و باید
اعتقاد کند که سؤال قبر و عذاب و ثواب قبر حق است و قیامت حق است

وجمیع مردکان زنده خواهند شد وبجزای عمل خود خواهند رسید و بهشت ودوزخ
حق است وچون بنده بالغ وعاقل باشد وخواهد که نماز کند پس اگر جنب شده
ووقت نماز داخل شده باشد غسل جنابت میکند وچنین نیت میکند که غسل
جنابت میکنم از جهت مباح بودن این نماز وباقی نمازها وباقی چیزها که بسبب آن
مباح می شود واجب قربة الی الله واگر قصد رضای خدا نیت کند کافیست
یعنی قصد میکند که چون حق سبحانه وتعالی فرموده است اطاعت امر او میکنم
واگر پیش از دخول وقت باشد قصد قربت میکند ولکن وقصد واجب وسنت
نمیکند واگر قصد مباح بودن نماز مطلق کند که هر نمازی که خواهد تواند کرد
بهتر است وهمچنین اگر وضو نداشته باشد وضو سازد واگر وقت داخل شده
باشد بقصد وجوب واگر پیش از وقت باشد بقصد قربت وهمچنین اگر زن
حایض یا نفاس داشته و پاک شده باشد از خون غسل حیض ونفاس را واقع
میسازد پس اگر بعد از دخول وقت باشد بقصد وجوب غسل میکند وپیش
از دخول وقت بقصد قربت اگر نمازی در ذمهٔ ایشان باشد غسل ووضو را
بقصد نماز قضا واقع میسازند بقصد وجوب واگر علم بقضا نداشته باشند
چنانچه گفتیم نیت میکند که غسل میکنم جهت دفع حدث ومباح شدن نماز وچیزی
چیزی که بغسل مباح میشود قربة الی الله تعالی وچون غسل میکند آب بر سر میریزد
وتمام سر وگردن را بشوید واگر موی داشته باشد آب بن بن مو برساند واگر
گوشش سوراخ داشته باشد احوط آنست که آب بسوراخ گوش برساند ومجرایست
که سوراخ بهم نیاید هرچند مدتی تها شده باشد وآب بته مو البته باید رسانید
ومشهور آنست که شستن مو در کار نیست واگر بشوید احوط است وبهتر است

زنان را که موهای بافته را بکشایند خصوصا در غسل حیض و نفاس و چون
از شستن سر و کردن فارغ شود بدن را میشوید و احوط آنست که
اوّل جانب راست را بشوید و دیگر جانب چپ را و بعد از غسل جنابت
احتیاج بوضو نیست و بعد از غسل حیض و نفاس و مسّ میّت وضو درکار
نیست و غسل کافیست ولیکن اگر وضوی احتیاطا پیش از غسل واقع سازد
بهتر است بقصد قربت و اگر بعد از نیّت یا بیک فرو رود کافیست و
این را غسل ارتماسی گویند و اگر روزه دار باشد باید که غسل ترتیبی
بجا آورد و سر با آب فرو نبرد و بهر حال غسل ترتیبی بهتر است و اگر
در حمام اوّل سر و گردن را در میان آب بشوید و آنچه از بدنش بیرون
آب باشد بشوید و آنچه در زیر آب باشد قصد شستن آن بکند و حرکت
بدهد و دستی بمالد که آب بجانب راست همه جا برسد و بعد از آن جانب چپ را
بدستور آن بشوید خوبست و اگر در شستن هر طرف یا را از آب بیرون
آورد و آب بریزد یا داخل آب کند بهتر است و اگر در غسل ارتماسی
بدن را اوّل پاک سازد و تخته را آب کشد و بالای آن تخته رود و نیت
کند و هموار داخل آب شود بهتر است و وسواس از شیطان است
در نیت و طهارت و نیت امریست که همه کس دارد و چون وضو سازد
نیت کند احوط آنست که آب را از جانب بالای رو و در رستنگاه مو
بریزد و مقداری از رو را می شوید که انگشت مهین و میانین بر آن
بگردد و ما بقی را تا گوش بقصد احتیاط میشوید و اگر ریش او کثیف
باشد که نه مو نمایان نباشد روی مو را میشوید و اگر تنک باشد

پس اگر مانند موی چیزی باشد آب بهمه جا برساند واگر بعضی پیدا نباشد
احتیاطا بهمه جا برساند بعنوان جریان وبعد از ان دست راست را بشوید
وابتدا از مرفق کند تا سر انگشتان ومرد اول آب را بر پشت دست بریزد و
زن آب را بر شکم دست بریزد ودست را از بالا بپایین آورد وبهتر آنست
که دست بر نگرداند وبر دارد واز بالا بپایین بیاورد تا آب بهمه دست
جاری شود وسر دست را بشوید هرچند تری داشته باشد واحوط آنست
که آب بته ناخنها برساند وناخنها را بگیرد یا چرک آن را بیرون کند وبعد از ان
دست چپ را بدستور بشوید وبعد از ان مسح پیش سر را میکند وبهتر
آنست که اول مقدار سه انگشت را بسر انگشت بکشد وبهتر آنست که بدست
راست بکشد وان مقدار آب در دست نمانده باشد که اول غسل بفعل آورد
وچون خواهد که مسح کند آب دست راست را بیفشاند که کم شود واز پای
سر بپایین بکشد وبهتر آنست که دست راست مسح پای راست بکند و
بدست چپ پای چپ را مسح کند آن آبی که از وضو مانده باشد وآب تازه
برندارد واحوط آنست که بجمیع کف دست پاها را مسح کشد واول پای راست
مسح کند دیگر پای چپ را وسنت است که اول دستها را تا بند دست
یکمرتبه بشوید واگر وضو از خواب یا از بول سازد دو مرتبه بشوید واگر
از حدث غایط باشد ودر غسل سه مرتبه بشوید ومستحب است که دعاها را
بخواند باین نحو که چون خواهد آب وضو را بردارد ودست بشوید این دعا
بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسًا
یعنی وضو میسازم بیاری نام خداوند وذات مقدس او وحمد میکنم

خداوند

خداوندی را که پاک کننده گرداننده است آب را و نجس نکرداننده است
و بعد از مضمضه بخواند اَللّٰهُمَّ لَقِّنِی حُجَّتِی یَوْمَ أَلْقَاکَ وَأَطْلِقْ لِسَانِی
بِذِکْرِکَ وَشُکْرِکَ وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ تَرْضٰی عَنْهُ یعنی خداوندا تلقین نما بمن
حجت مرا در روزی که ملاقات میشوم بتو را یعنی ملائکه تو از من سؤال
مینمایند اعتقادات مرا در قبر و گویا گردان زبان مرا بیاد تو و شکر تو
و بگردان مرا از آنها که خشنود گردیده از ایشان و بعد از استنشاق
بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَیَّ رِیحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یَشَمُّ رَوْحَهَا وَ ریحها
طِیبَهَا یعنی خداوندا حرام مگردان بر من بوی بهشت را و بگردان مرا
از آنها که میشنوند بوی او و نسیم و گلهای او و بوی خوش او و بهتر
که مضمضه و استنشاق را سه مرتبه بکند و چون آب بر رو ریزد بگوید
بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ و بعد از شستن رو یا در اثنای آن بگوید
اَللّٰهُمَّ بَیِّضْ وَجْهِی یَوْمَ تَسْوَدُّ فِیهِ الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِی یَوْمَ تَبْیَضُّ
فِیهِ الْوُجُوهُ یعنی خداوندا سفید و نورانی گردان روی مرا در روزی
که سیاه میگردد در آن بعضی از روها و سیاه و تیره مگردان روی مرا
در روزی که سفید میگردد در آن بعضی از روها یعنی روز قیامت
و چون دست راست بشوید بگوید اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِی کِتَابِی بِیَمِینِی وَالْخُلْدَ
فِی الْجِنَانِ بِیَسَارِی وَحَاسِبْنِی حِسَابًا یَسِیرًا یعنی خداوندا بده بمن در
در قیامت نامه مرا بدست راست من و نامه مخلّد بودن در بهشت بدست
چپ من و حساب کن مرا حساب آسان و چون دست چپ را بشوید بگوید
اَللّٰهُمَّ لَا تُعْطِنِی کِتَابِی بِشِمَالِی وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِی وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً

الی عنقی و اعوذ بک من مقطعات النیران یعنی خداوندا نامهٔ مرا بدست چپ من و نه از پشت سر من و مکردان دست مرا غل کرده بسوی
کردن من و پناه میبرم بسوی تو از جامها که در جهنم برای کافران می برند
از آتش و چون مسح سر کند بکوید اللهم غشنی برحمتک و برکاتک
و عفوک یعنی خداوندا فرو کیر سر تا پای مرا برحمت اخروی و برکتهای دنیوی
دامن خود و چون مسح پاها کند بکوید اللهم ثبت قدمی علی الصراط یوم
تزل فیه الاقدام واجعل سعیی فیما یرضیک عنی یعنی خداوندا ثابت کردان
کردان دو قدم مرا در قیامت بر صراط در روزی که میلغزد دران قدمهای
کافران و عاصیان و بکردان سعی مرا در چیزی باعث خشنودی تو میکردد
از من و چون متوجه نماز شود اذان و اقامت بکوید و در اذان چهار مرتبه
الله اکبر بکوید یعنی خدا از ان بزرکتر است که عقلها باو تواند رسید
و دو مرتبه اشهد ان لا اله الا الله یعنی کواهی میدهم که معبودی نیست
سزاوار پرستش معبود بحق بجز معبودی یکتای بحق که متصف است بجمیع صفات
کمال و دو مرتبه اشهد ان محمدا رسول الله یعنی کواهی میدهم که محمد پیغمبر فرستادهٔ
خداست و دو مرتبه حی علی خیر العمل الصلوة یعنی بشتابید بسوی نماز و دو مرتبه
حی علی الفلاح یعنی بشتابید بسوی چیزی که موجب رستکاری اخرت است
و دو مرتبه حی علی خیر العمل یعنی بشتابید بسوی عملی که بهترین عملهاست
که ان نماز است و دو مرتبه الله اکبر و دو مرتبه لا اله الا الله و در اقامت دو الله
اکبر از اول اذان دو یک الله اکبر از اخر و دو مرتبه قد قامت الصلوة بعد از
حی علی خیر العمل و یک لا اله الا الله بکوید

حجز

خوبست وسنت است که درمیان اذان واقامه بسجده رود وبکوید لا اله
الا انت ربی سجدت لک خاضعا خاشعا واکر ایستاده الحمد لله بکوید
مجزیست ودر زنان اذان واقامت ان قدر تاکید ندارد که در مردان دارد
وایشان اکتفا بچهار مرتبه الله اکبر ودو مرتبه اشهد ان لا اله الا الله
ودو مرتبه اشهد ان محمدا رسول الله میتوانند کرد واکر همه را یکمرتبه بکویند
نیز ظاهرا کافی باشد واکر بشهادتین تنهایی الله اکبر اکتفا کنند مجزیست
واذان واقامت را تمام هم میتوانند کفت بشرطی که نامحرم صدای ایشانرا
نشنود واکر بعد از شهادتین یکمرتبه یا دو مرتبه اشهد ان علیا ولی الله
بکوید بقصد تبرک نه بقصد آنکه جزء اذان است بد نیست یعنی کواهی
میدهم که علی ولی خداست وصاحب اختیار من خلایق است وکفتن محمد
وعلی خیر البشر داخل اذان نیست ودرمیان اذان واقامه این دعاست اللهم
اجعل قلبی بارا وعیشی قارا ورزقی دارا واجعل لی بنبیک صلی الله علیه عند قبره
واله مستقرا وقرارا یعنی خداوندا بکردان دل مرا نیکوکننده وزندکانی مرا در خوشی وشادمانی در روی خوشحالی وشادمانی وروزی مرا
بسیار وریزنده وبکردان از برای نزد قبر محمد صلی الله علیه واله محل
قرار درجات وبعد ازمرد ومرد را سنت است که چون بنماز بایستند
پاهای خود را بقدر یک شبر از یکدیکر دور کذارد وتا چهار انکشت
کشاده نیز خوبست وباید برابر یکدیکر ودستها را بپا وید و بر رانها
بکذارد وانکشتان باز باشند ویکدیکر چسبیده باشند پس هفت نوبت
الله اکبر بکوید شش را بقصد سنت بجا آورد بانکه سه مرتبه بکوید

الله اکبر در هر تکبیری هر دو دست بر دارد تا بن گوش و کف دست بقبله باشد و بعد از ان این دعا بخواند اللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوْءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِيْ فَاغْفِرْ لِيْ ذَنْبِيْ اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ یعنی بار خدایا توئی پادشاه دائم و نیست معبودی بجز تو پاک میدانم و منزه میشمارم ترا از هر چه لایق جلال ذات صفات کمال تست و ترا حمد و شکر میکنم بد کرده ام و ستم بر نفس خود کرده ام پس بیامرز از برای من گناه مرا بدرستی که نمی‌آمرزد گناهان را بغیر از تو پس دوم مرتبه بگوید الله اکبر و بگوید لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِيْ يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ اِلَيْكَ وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ الذَّلِيْلُ بَيْنَ يَدَيْكَ مِنْكَ وَبِكَ وَلَكَ اِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا وَلَا مَفَرَّ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَحَنَانَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ یعنی می ایستم بخدمت تو ایستادنی بعد از ایستادنی یعنی همیشه در خدمت تو ایستاده ام با آنکه چون مرا بنماز طلبیده اینک اجابت تو کرده ام و لبیک گویان در خدمت تو ایستاده ام و یاری میکنم ترا یاری نمودنی بعد از یاری نمودنی یعنی پیوسته فرمان بردار توام و نیکیهای دنیا و آخرت در دست قدرت و رحمت تواست و بدان تو نیست و بتو راهی ندارد و هدایت یافته کسی است که تو او را هدایت کرده بنده توام و کنیز و غلام زاده توام که در خدمت تو ایستاده ام از تست ابتدای وجود من و بتواست بقا و یاری من و از برای تست کارهای من و بسوی تست بازگشتن من و نیست پناهی و امید گاهی

دیگر

وکوینکاهی از تو مکو بسوی تو پاک و منزّه مبدانم ساحت کبریای تو را
از غبار هر چه نسزد و نشاید و حال آنکه سؤال میکنم از تو رحمت و
مهربانی را و پیوسته و دایم مبدانم جمیع برکتهای ترا و بلند تری از ادراک
عقلها و وهمها مقدّس و منزّهی ای پروردگار خانه کعبه یعنی معبود
و مقصود من توئی نه کعبه و رو بکعبه آورده ام بفرموده تو پس بکم تیر
تکبیر بکوید پس نیّت کند که نماز صبح میکنم ادا و جهت آنکه واجب است
قربة الی الله و همین که در خاطرش باشد نیّت است پس بکوید الله اکبر
تکبیر احرام را و این دعا بخواند وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَ
الْأَرْضَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمِنْهَاجِ
عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ
صَلَوَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ
بِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ یعنی روی دل خود را کردانیده ام برای
آنکسی که بی ماده و مدّت بمحض کمال قدرت بیافرید آسمانها و زمین را
در حالتی که بر ملّة یگانه پرستی ابراهیم علیه السّلام و دین محمّد صلّی الله علیه
و آله و طریق مستقیم علی علیه السّلام در اصول و فروع دین ثابت و راسخم
و مایلم از شرک و ادیان باطله بسوی توحید و دین حق و رسول خدا و
ائمّهٔ هدی علیه السّلام و منقادم جمیع اوامر و نواهی ایشان را و نیستم
از شرک آورندکان نه بشرک جلی مانند بت پرستی و نه بشرک خفی مانند
ریا و سمعه و متابعت و موالات غیر ائمّهٔ هدی بدرستی که نماز
من و نسک یعنی قربانی من یا حج من یا همه عبادتهای من و زندکانی من

و مردن من با اخذ برانم در زندگی من و اینچه بمن میرسد بعد از مردن من
خالص است از برای خداوندی که پروردگار جهانیانست او شریکی و انبازی
در خلق عالم و در معبودیّت و استحقاق عبادت یعنی در عبادت کسی را با
او شریک نمی کنم و باین مامور شده ام از جانب خدا که او را بیگانگی بپرستم و
من از جملهٔ مطیعان و فرمان برداران ام و این کلمات فی الحقیقة نیّت نماز
و عمده انچه در همهٔ عبادات مذکور است پس بگوید اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیطانِ
الرَّجِیمِ یا بگوید اَعُوذُ بِاللهِ السَّمِیعِ العَلِیمِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجِیمِ یعنی پناه
میگیرم و التجا میبرم بمعبود بحق و خداوندی مطلق که شنواست جمیع گفتهای
خلایق را و داناست جمیع معلومات را خصوصا اعمال و نیات بندگان را
از شر و وسوسهٔ دیو و بندهٔ سرکش یا دور مانده از جمیع رحمت حق
و رجیم است یعنی سنگبار انه کردند او را ملائکه چون از اسمان راندند
یا بتیر شهاب یا بلعنت خدا و خلق مرجوم است پس سورهٔ حمد را بخواند
بقصد قربت و چون قراءت سورهٔ فاتحه در نماز واجبست و بهترین
سورهها انّا انزلناه است و ترجمهٔ این سورهها بر سبیل اجمال مناسبست
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ استعانت میجوییم بنام خداوندی که سزاوار پرستش است
و مستجمع جمیع صفات کمال است و رحمن است بر حمتهای عام نسبت بجمیع خلق
و رحیم است برحمتهای خاص نسبت بمؤمنان در دنیا و اخرت الحمد لله رب
العالمین جمیع ستایشها مخصوص خداوندیست که افریننده و تربیت
کنندهٔ جمیع عالمیان است الرحمن الرحیم تاکید بسمله است یا انکه مراد رحمانیت
و رحیمیّت دنیاست و در اینجا رحمانیت و رحیمیّت اخرت است که با دیگر

ایشانرا

ایشان را حیات میبخشد و مؤمنان را می آمرزد و داخل بهشت میکرداند مالک

یوم الدّین یعنی خدا دهندهٔ روز جزا یا متصرف در امور در روز جزا و جمعی

از قرّاء مَلِکِ خوانده اند بدون الف و فتح میم و کسر لام یعنی پادشاه روز

جزا هر دو جایز است و چون اکثر روایات دلالت بر مالک میکند شاید

اختیار آن اولی باشد و چون بسبب استعاذ از شیطان و استعانت از

خداوند رحیم و تذکر صفات کالیه رب العالمین و اقرار بیوم دین از

بعد از غایت بعد فی الجمله قربی و بعد از نهایت هجران اندک وصلی بهم رسید

و از مقام غیبت گویا بمجلس انس و حضور رسید بعنوان مخاطبه سخن میگوید

که ایاک نعبد یعنی عبادت میکنیم ترا و بس و در این مقام دیگران نیز ضم کرد

که شاید ببرکت آنها عبادت او نیز مقبول گردد و چون این کلام موهم این

بود که او مفاخره بعبادت خود میکند و خود را مستقل در آن میداند بعد

از آن فرمود که و ایاک نستعین یعنی از تو استعانت میجوییم و بس نه از غیر تو

در هر امور خصوصا در عبادت و چون آداب مقرره دعا از توسل بجناب

اقدس الهی و لحمد او بر نعم غیر متناهیه و ذکر او بصفات کالیه و وسیله امام

الحاجات از اظهار عبادت بعمل آورد و دعا اجب عبادات است بسوی خدا و

اعظم اسباب قربست در درگاه حق تعالی شروع بدعا نمود و چون هدایت

براه دین اعظم مطالبست از آن باب بیقین ابتدا بآن نمود و فرمود اهدنا

الصراط المستقیم یعنی هدایت و رهنمایی کن ما را براه یعنی راه حق زیرا که

راه حق راست میرود بسوی بهشت صوری و معنوی و در آن افراط و تفریط

و غلو و تقصیر نمیباشد زیرا که در هر امری کسی که غلو میکند از جانب

راست از حق بدر رفته است و کسی که تقصیر میکند از جانب چپ از حق بدر
رفته است چنانچه فرموده اند راه راست و چپ و گمراه کننده است و حق طریق
وسط است مثل آنکه جمعی در باب امیر المؤمنین صلوات الله غلو کرده اند و
بخدای او قایل شده اند یا او را بعضی از پیغمبر دانسته اند و گمراه شده اند
و بعضی بامامت آنحضرت بلا فاصله قایل نشدند و کافر شدند و راه راست
و راه وسط راه آن جماعتیست که اعتقاد بامامت آن حضرت بعد از حضرت
رسول صلی بی فاصله کرده و باز نه نفر از فرزندان آن حضرت را بترتیب بعد از و
امام خود شناختند و متابعت ایشان هم چنانکه در دنیا بر صراط مستقیم اند
در آخرت نیز باسانی بر صراط میگذرند چنانکه در حدیث وارد شده است
که صراط دو صراط است یکی صراط دنیا که ولایت و متابعت اهل بیت رسالت است
که آن دین حق است و دیگر صراط آخرت است که راه بهشت است از برای مؤمنان
و بر روی جهنم کشیده است و مؤمنان که در دنیا بر صراط دین حق ثابت
مانده اند از آن صراط عبور میکنند بسوی بهشت و در احادیث عامه و خاصه
بطرق مستفیضه وارد شده است که صراط مستقیم علی ابن ابی طالب علیه
السلام است یعنی ولایت و متابعت آن حضرت و امامان از ذریه او یعنی ما
را بر ایمان ثابت بدار و بکمال مرتبه یقین برسان و چون کمال ایمان بمحبت
و ولایت انبیا و اوصیا و متابعت ایشانست درین مقام اشاره باین نموده
فرموده صراط الذین انعمت علیهم یعنی صراط مستقیم راه آن کسانی است که انعام
کرده بر ایشان و مراد نعمت دنیا نیست زیرا که نعمت دنیا را بمومن و کافر و فا
سق عطا کرده است بلکه بکافران و فاسقان بیشتر داده است پس مراد نعمت

دین

دین و محبت و معرفت و قرب رب العالمین است چنانکه در آیه دیگر در شان شیعیان
اهل بیت فرموده است که هر که اطاعت خدا و رسول او کند در ولایت علی ابن ابی
طالب و امامان از ذرّیت او پس ایشان در بهشت با گروهی اند که انعام کرده است
خدا بر ایشان از پیغمبران و صدّیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیقان اند
و در احادیث وارد شده است که مراد از پیغمبران حضرت رسول صلی الله علیه
و آله است و از صدّیقان امیر المؤمنین علیه السّلام و از شهدا حسن و حسین
و از صالحان سایر ائمّه علیهم السّلام است پس مراد از این آیه است که راه رسول
خدا و اهل بیت او را بمن بنما و مرا تابع ایشان گردان و چون در این آیه اشاره
بیک رکن عمدهٔ ایمان فرمود که ولایت و متابعت دوستان خدا باشد
و بیزاری از دشمنان خدا نیز از ارکان دینست و ایشان دو قسم اند
یکی آنکه دانسته از برای دنیا از راه حق بدر رفته است مانند ابو بکر
و عمر و عثمان و معویه و یزید و طلحه و زبیر و سایر خلفای بنی امیّه
و بنی عبّاس و علماء اهل سنّت و دیگری آنکه بنادانی متابعت ایشان
کرده است مثل اکثر عوام سنّیان پس اوّل اشاره بقسم اول نمود و فرمود
غیر المغضوب علیهم یعنی نه راه گروهی که غضب کرده بر ایشان که دانسته
مخالفت اهل بیت رسالت کرده اند پس اشاره بقسم ثانی نمود و فرمود
و لا الضّالّین یعنی نه راه جماعتی که بنادانی گمراه شده اند و اکثر احادیث
چنین ظاهر میشود و بعضی گفته اند که مغضوب علیهم یهودند و ضالّین
نصاری و بعضی گفته اند مغضوب علیهم آنهایند که در اصول دین گمراه
شده اند و ضالّین آنهایند که در فروع دین گمراه شده اند و امّا ترجمهٔ

سورهٔ قدر انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی بدرستی که ما فرستادیم قرآن
مجید را در شب قدر که شب نوزدهم یا بیست ویکم یا بیست وسیم ماه مبارک
رمضان است واحادیث بیست وسیم بیشتر است یعنی که شبی که حق تعالی تقدیر
امور سال را دران شب میکند وخلاف است که نزول که نزول قرآن دران
شب چه معنی دارد وبعضی گفته اند که ابتدای نزول دران شب شد
وبعضی گفته اند ختم نزول دران شب شد وبعضی گفته اند همه دران
شب از لوح محفوظ به بیت المعمور نازل شد ودر بیست وسه سال
آیه آیه وسوره سوره بحسب مصالح نازل شد وما ادریک ما لیلة القدر
وتو از کجا دانستی که شب قدر چیست وچه فضیلت دارد تا ما نگوییم لیلة القدر
خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه ودر بعضی
روایات وارد شده است که یعنی عبادت شب قدر بهتر است از عبادت
هزار ماه که دران شب قدر نباشد ودر بعضی از اخبار وارد شده است
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله در خواب دید که بنی امیه بر منبر او مثال
بوزینه بالا میروند ومردم از پس پشت بر میگردند از این خواب ملول
گردید جبرئیل این سوره را برای تسلی آن حضرت آورد که شب قدر
برای اهل بیت تو وشیعیان ایشان در قربتها واکرامها که ایشان را دران
شب حاصل میشود بهتر است از هزار ماه پادشاهی بنی امیه که دران شب
قدر نیست تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر پیوسته
تا روز قیامت فرود می آیند فرشتگان وروح که اعظم است از فرشتگان
دران شب بر امام زمان بفرمان پروردگار ایشان برای اعلام هر امری

که مقدر شده است برای هر کس در آن شب یا از برای هر امری از مصالح دین
و دنیای مردم سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی باعث سلامتی است این شب از برای
دوستان خدا تا طلوع صبح یا ملائکه و روح تا صبح بخدمت امام می آیند
و سلام میکنند یا آنکه در زمین سلام میکنند از جانب خدا بر هر مؤمنی
که در نماز یا رکوع یا سجود یا دعا باشد تا طلوع صبح و احادیث در این باب
بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و امّا تفسیر سوره توحید
روایت کرده اند از حضرت صادق علیه السلام که یهودان بخدمت حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند نسبت پروردگار خود برای
ما بیان کن این سوره نازل شد قل هو الله احد یعنی بگو یا محمد که آن خدائی
که از او سؤال کردید خداوندیست که مستحق عبادت است او خالق جمیع
ممکنات است و مستحق جمیع صفات کمالست و عقلها در ذات و صفات او
حیرانست واحد است یعنی هیچگونه کثرت در ذات و صفات او نیست و
مرکب از اجزا و اعضا نیست و بسیط مطلق است و اجزای خارجیه و وهمیه
و عقلیه ندارد و صفت موجود زاید بر ذات ندارد و خداوندی شریکی
ندارد الله الصمد یعنی خداوند معبود بر حق صمد است یعنی همه
خلق در همه امور باو محتاجند و او محتاج بغیر خود نیست و همه چیز باو قائم
است و او قائم بهیچ چیز نیست یا بالفعل من جمیع الجهاتست و محل حوادث
و انفعالات نیست لم یلد کسی از او متولد نشده است چنانکه کفار مکه
میگفتند ملائکه دختران خدایند و چنانکه ترسایان گفتند عیسی پسر
خداست و چنانکه بعضی از یهودان گفتند که عزیر پسر خداست و

اکر نه بایست جسمی باشد مثل انها واز نوع انها ومرکب باشد بانواع
ترکیبات ومحتاج وممکن باشد ومحتاج خالقی باشد که او را ایجاد کند واز
حضرت امام حسین علیه السلم منقولست که تتمه سوره تفسیر صمد است یعنی
از او چیزی کثیفی تولد نمیشود مانند فرزند وبول وغایط ومنی و
بلغم وسایر کثافاتی که از مخلوقین جدا میشود ونه چیز لطیف مانند
نفس وکلام وصوت واز او منبعث نمیشود حوادث مانند پینکی وخواب
وخطورات بال وغم واندوه وشادی وخنده وکریه وبیم وامید ورغبت
وترس ومانندکی وکرسنکی وسیری ولم یولد یعنی زاییده نشده است
واو زاینده ومادر نیست واین رد است بر نصاری که عیسی زاییده شده از مریم
خدا میدانند وموجود بذات خود است ووجود او مستند بعلت وسببی نیست
وحضرت سید الشهداء صلوات علیه فرمود که یعنی از چیزی متولد نشده است
واز چیزی بیرون نیامده است نه چنانکه اشیای کثیفه از عناصر خود بیرون
می آیند مانند حیوان که از حیوانات دیکر بهم میرسد ومانند کیاه از
زمین میروید ومانند اب که از چشمه بیرون می آید ونه مانند چیزهای
لطیف که مرکزهای خود بیرون می آیند چون بینایی که از چشم بیرون می
اید وشنوایی که از کوش بهم میرسد وبوییدن که از بینی بیرون می اید
وچشیدن که از دهان بیرون می اید ونادانی وتمیز که از دل ناشی می
شود واتش که از سنک بیرون می اید بلکه اوست خداوند صمد که نه
از علت وسببی بهم رسیده است ونه در چیزیست که مکانی داشته باشد
مانند جسم که محتاج بمکان است ومانند عرض که محتاج بمحل است ونه
چون سیاهی وسفیدی ونه بر چیزیست مانند پادشاهی که بر تخت نشسته باشد

و همه ممکنات را از عدم بوجود آورده است و بقدرت کامله خود همه را خلعت
هستی پوشانیده است فانی میگرداند هرچه را خواهد قابل گرداند و باقی می دارد
هرچه را مصلحت در بقای آن داند وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ یعنی احدی از ممکنات
کفو و مثل و شبیه و نظیر او نیست پس نه جسم است که باجسام ماند و نه جوهر است
که بجواهر شبیه باشد و در خداوندی عدیل و شبیهی ندارد و از حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه پرسیدند از تفسیر این سوره فرمود که خدا احد است
بی آنکه تعددی در ذات و صفات او باشد و صمد است بی آنکه اعضا و اجزا
داشته باشد و فرزندی ندارد که وارث پادشاهی او باشد زیرا که هر که فرزند
دارد جسم است و در معرض فناست و از او پادشاهی بدیگری میرسد و از
کسی متولد نشده است و اگر نه او بخداوندی سزاوار نخواهد بود و در
تفسیر این سوره که همه اگر کتابها نوشته شود وفا بعشری از اعشار او نمیکند
و سنت است که چون از این سوره فارغ شوند خواه در نماز و خواه در غیر نماز
سه مرتبه بگویند کذالک الله ربی یعنی چنین خداوندی که پروردگار منست
و بهترین سوره ها که در نماز خوانده شود دو سوره است و در حدیث
وارد شده است که عجب دارم از کسی که این سوره را در نماز نخواند چگونه
نماز او مقبول میشود و در بعضی از روایات وارد شده است که در رکعت
اول سورهٔ انا انزلناه بخواند که سورهٔ حضرت رسول و اهلبیت
اوست علیهم السلام و ایشان را شفیع گرداند در درگاه خدا و بایشان
متوسل شود و در رکعت دوم سورهٔ توحید بخواند که بعد از آن دعا
مستجابست تا آنکه دعایی که در قنوت بخواند مستجاب شود و روایات

دیگر دلالت بر عکس آن میکند و هر دو خوبست و فضیلت این دو سوره
بسیار است امّا سنّت است که در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه سوره
هل اتی بخواند و در نماز شام و خفتن شب جمعه سورهٔ جمعه در رکعت
اوّل و سورهٔ سبّح اسم ربّك در رکعت دوّم بخواند و اگر در رکعت دوّم
سورهٔ قل هو الله احد بخواند نیز خوبست و در صبح روز جمعه سوره جمعه
در اوّل و قل هو الله در دوّم بخواند و در نماز جمعه و ظهر و عصر روز جمعه
سوره جمعه و منافقان بخواند و در نماز خفتن سایر شبها سبّح اسم
و قل هو الله بخواند پس چون سوره تمام شود اندکی مکث کند پس دستها
بردارد و بگوید الله اکبر از جهت رفتن برکوع و واجبست که آن مقدار
کج شود که پشتش مساوی شود و زانوها را به پشت بشکند و بالهای او
گشاده باشد و زنان راسنّت است که بسیار خم نشوند بلکه اندکی خم
شوند که دست ایشان بزانوها تواند رسید و دستها بر زانوها
نگذارند بلکه بر بالای زانو بر رانها گذارند و دستها را بخود بچسبانند
و هر ذکری کافیست و بهتر آنست که سه مرتبه سبحان ربّی العظیم و بحمده
یعنی پاك و پاکیزه و مقدّس و منزه میشناسم پروردگار بزرگ
خود را از هرچه لایق عظمت و جلال او نباشد و کبریا و جبروت
او را نشاید و حال آنکه شکر و ستایش میکنم او را بر آنکه مرا توفیق
تنزیه خود داده است و یکمرتبه کافیست و پنج مرتبه و هفت مرتبه
بهتر است پس سر بردارد و راست شود بعد از آن بگوید سَمِعَ اللهُ
لِمَن حَمِدَهُ اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمِینَ یعنی حق تعالی شنید و اجابت نمود

وجزای

وجزای خیر داد هر کس را که ستایش او کرد و هر ثناها و ستایشها برای
خداوند پست که پروردگار دعا لمبا نست و بکفتن سمع الله لمن حمده مستحب
بعمل می آید پس الله اکبر بکوید در حالت دست برداشتن و چون تمام کند
برود بسجده و مرد دستها را پیش از زانو بر زمین کذارد و پیشانی را بر زمین
زن را سنت است که زانوها را پیش از دستها بر زمین کذارد و پیشانی را
بر زمین کذارد یا بر چیزی که از روییده باشد که نخورند و نه پوشند و
سنت است که بر خاک کربلا باشد و باید که هر دو دستها و سر انکشتان
مهین پاها بر زمین برساند و زود او بر هم باشد و سنت است که بینی
بر خاک کذارد و مرد را سنت است در سجود که بال کشاده باشد و
اعضای او از یکدیکر جدا باشد و زن را سنت است که اعضای
خود را بیکدیکر بچسباند و دستها را تا ذراع بر زمین نخواباند
و چون درست قرار کیرد ذکر کند و بهتر آنست که سه مرتبه سبحان
ربی الاعلی و بحمده یا پنج مرتبه یا هفت مرتبه بکوید و یکی کافیست
و ترجمه اش آنست که منزه و مقدس میدانم پروردگار خود را که از همه
چیز بلند مرتبه است بحسب رتبه از هر چه بلندی و رفعت او را سزد
و حال آنکه مشغولم بستایش و ثنای او و بر آنکه توفیق بخشیده است
مرا که تنزیه او را بجا آورم پس سر بر دارد از سجده بنشیند بر پای چپ کذارد پس دست
بر دارد و الله اکبر بکوید و استغفر الله ربی و اتوب الیه یعنی طلب
آمرزش میکنم از پروردگار خود و باز میکردم بسوی او پس بکوید الله
اکبر و دست بردارد پس بسجده دوم رود مثل اول و چون بنشیند الله

اکبر بکوید و چون خواهد که برخیزد اوّل زانوها را بردارد و دیگر دستها را و در وقت برخاستن بکوید بحول الله تعالی و قوّته اقوم و اقعد یعنی بیاری خداوند عالم که بلند تر است از آنکه عقل باو برسد و بقدرت و توانایی او بر میخیزم و مینشینم و از ناز است سنّت است که اوّل دستها را بردارند و بعد از ان زانوها را و خود را بکشند و برخیزند بی آنکه عقب ایشان بلند شود و چون راست بایستند سورهٔ حمد را بخوانند و چون باو سورهٔ دیگر بخوانند قربة الی الله و بهتر آنست که هو الله احد بخوانند پس بکویند از جهت قنوت در حالت دست برداشتن پس دستها را برو باز دارد و شکم دست بجانب آسمان باشد و قنوت را بخواند احتیاطا بقصد قربة و بهتر آنست که کلمات فرج را بخواند لا اله الّا الله الحلیم الکریم یعنی نیست خداوندی معبود بحق بجز خدای یکتای جامع جمیع صفات که بردبار و بخشنده است لا اله الّا الله العظیم نیست معبودی بجز معبود بحق سزاوار پرستش که بلند مرتبه و بزرکوار است سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش الکریم و الحمد لله رب العالمین یعنی پاک و مقدس است خداوندی که پروردکار زمینهای هفت کانه است و پروردکار آنچه در بین زمینها و اسمانها است و آنچه در میان انهاست و پروردکار عرش عظیم است یعنی تختی که حق تعالی در بالای اسمانها و کرسی و حجب و سرادقات خلق کرده است و از همه اجسام بزرک تر است و در بعضی از اخبار تفسیر عرش بعلم حق تعالی شده است و همه ستایشها و آفرینها مر خدای راست که پروردکار جهانیانست و این دعا را کلمات فرج میکویند و از بهترین دعاهاست و در همه قنوتهای نمازها مستحب است خصوصا در قنوت

نماز

نماز جمعه و نماز وتر و تلقین میّت و در وقت جان کندن از برای آسانی
قبض روح پس بهتر آنست که بعد از این بگوید اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد
که بهترین دعاهاست و دعا بدون صلوات بر ایشان مستجاب نمیشود
یعنی خداوندا رحمت کن و درود و ثنا و تحیّت فرست بر محمّد و آل محمّد که
حضرت علی و فاطمه و یازده امام از فرزندان ایشانند پس بگوید اللّهمّ
اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنّا فی الدّنیا والآخرة انّک علی کلّ شیء قدیر
یعنی خداوندا بیامرز گناهان ما را و رحم کن بر ما و عافیت ده ما را از دردها
و بیماریها و فتنها و بلاها و عفو کن خطاهای ما در سرای دنیا و در سرای
آخرت بدرستی که تو بر همه چیزها قادر و توانایی و هر چند دعا بیشتر
بخواند در قنوت بهتر است و در حدیث وارد شده است که هر که قنوت
او طولانی تر است راحت او در آخرت بیشتر است امّا بدعای اوّل
و دعای آخر و صلوات و اقلّ دعا که اکتفا میتوان کرد و اگر چه بیکمرتبه
سبحان الله باشد پس اگر الله اکبر بگوید و برکوع رود مثل رکعت اوّل
و چون سر از سجدهٔ دوّم بردارد بر ران چپ بنشیند و هر دو پا را از جانب
راست بیرون آورد و پشت پای راست را بر شکم پای چپ گذارد و دستها را
بر رانها بگذارد و انگشتان را بیکدیگر بچسباند و نظر بدامن خود کند و تشهّد
بخواند و زن را در نشستن تشهّد و غیر آن در نماز سنّت است که رانها را
بیکدیگر بچسباند و نظر بدامن خود کند و تشهد بخواند و زانوها را از
زمین بردارد و بر الیتین خود بنشیند بر وضعی که بر سر پا نشیند و اگر
زانوها را از زمین بر ندارد کوید بنشیند که اعضای رانها بهم چسبیده باشد

و در وقت تشهد شهادتان واجب است با صلوات بر محمد و آل محمد بر مشهور
و اولی آنست که صلوات را بقصد قربت بجا آورد و باقی زیادتیها را بقصد سنت
یا بر نحو که بسم الله و بالله والحمد لله و خیر الاسماء لله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد
وتقبل شفاعته فی امته وارفع درجته یعنی یاری میجویم بنام بزرگ خدا
که سزاوار پرستیدن است و بخدای یگانه و همه ثناها مخصوص خداست
اشهد تا آخر یعنی گواهی میدهم بآنکه نیست معبودی بغیر خدایی که مستجمع
جمیع کمالات و مستحق عبادات است درحالتی که یکتا و منفرد است در خداوندی
و او را شریک و انبازی نیست در استحقاق عبادت و اشهد تا آخر یعنی
گواهی میدهم باینکه محمد بنده او و پیغمبر فرستاده اوست و بهتر آنست که
بعد از و رسوله بگوید اَرْسَلَهُ بالهدی بِالحَقِّ بَشیرًا وَنَذیرًا بَیْنَ یَدَیِ السّاعَةِ
اَشْهَدُ اَنَّ رَبّی نِعْمَ الرَّبُّ وَاَنَّ مُحَمَّدًا نِعْمَ الرَّسُولُ وَاَنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ لا رَیْبَ
فیها وَاَنَّ اللهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی القُبُورِ اَلحَمْدُ لِلّهِ الَّذی هَدانا لِهذا وَما
کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا اَنْ هَدانا اللهُ یعنی فرستاده است او را براستی و درستی
بی شک و شبهه درحالتی که بشارت دهنده است برحمت و تفضل خدا کسی را
که بدین حق اقرار کند و ترساننده است از عقوبت و عدل خدا کسی را که
از دین حق برگردد و با اصرار برکبایر کند و در پیش روی قیامت مبعوث
گردید یعنی نزدیک بقیامت است و پیغمبر دیگر بعد از او نیست گواهی میدهم
که پروردگار من نیکو پروردگاریست و اینکه محمد نیکو رسولیست و بدرستی
که خدا برمی انگیزد و زنده میگرداند آنهایی را که در قبرها مدفون اند

ثنا و ستایی

ثنا وستایش مر خدایرا که بفضل خود راه نمود ما را باین اعتقادات ونبودیم
ما که بقوت خود توانیم یافت اینها را اگر نه خدا ما را راه مینمود اللهمّ
تا آخر یعنی خداوندا درود فرست بر محمّد و آل محمّد وگفته اند یعنی تعظیم
کن او را در دنیا باعلای دین او واظهار دعوت او واعظام ذکر او و
ابقای شریعت او ودر آخرت بقبول شفاعت او در حق امّت او ومضاعف
گردانیدن ثواب او وظاهر گردانیدن فضیلت او بر اوّلین وآخرین
وتقدیم او بر کافّهٔ انبیا ومرسلین صلوات الله علیهم اجمعین ومذکور
شد که مراد بآل آن حضرت دوازده امام معصومند وحضرت فاطمه صلوات
علیهم وتقبّل تا آخر یعنی قبول کن شفاعت آنحضرت را از برای امّت
او وبلند گردان درجهٔ او را در بهشت پس سنّت است که بعد از این
دو مرتبه یا سه مرتبه بگوید الحمد لله ربّ العالمین پس اگر نماز دو رکعتی
باشد سلام بدهد واگر سه رکعتی باشد یا چهار رکعتی باشد برخیزد
ومیگوید بحول الله تعالی وقوّته اقوم واقعد وهمچنین میگوید این را
در برخاستن رکعت چهارم ومخیّر است در دو رکعت آخر میان حمد
وتسبیح واگر تسبیح را بگوید میگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ
إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ واحوط آنست که استغفر الله اکملست واگر سه مرتبه
تسبیحات بی الله اکبر بگوید مجزیست والله اکبر در آخر الحاق کند که در تسبیح نه بود
احتیاط است امّا بخصوص روایتی ندارد وظاهراً همه خوبست وامّا اگر نماز
جماعت باشد حمد بهتر است واگر منفرد باشد تسبیح افضل است وبعد از
تشهّد آخر نماز باید سلام بگوید بقصد قربت وبهتر آنست که چنین

[illegible] استغفر الله

بگوید السَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلَینا وَعَلی
عِبادِ اللهِ الصّالِحینَ السَّلامُ عَلَیکُم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ وسلام اول داخل
تشهد است و سنت است و در سلام آخر هر یک را پیشتر بگوید بآن از
نماز بیرون میرود یعنی سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا و رحمت خدا و
برکتهای او و سلام بر ما باد و بر بندهای شایسته خدا سلام بر شما باد و
و رحمت خدا و برکتهای او یعنی زیادتی خیرات او و باید در بندگان
شایسته انبیا و ائمه علیهم را که با او بند با سایر ملائکه و مؤمنان
و مؤمنات را قصد کند و اگر پیش نماز باشد مأمومان را داخل کند
و اگر مأموم باشد پیشنماز با مأمومان را قصد کند و احوط آنست که
مرد قرائت دو رکعت صبح و دو رکعت شام و دو رکعت خفتن را بخواند
بنحوی که جوهر صوت ظاهر شود و ما بقی را آهسته که شخصی که نزد او باشد
بشنود بی جوهر صوت ظاهر نشود و زنان را بلند خواندن واجب نیست
و در همه نمازها آهسته خواندن بهتر است و ظاهرا بلند نیز میتوانند خواند
اگر نامحرم صدای ایشان را نشنود و اگر شنود البته آهسته بخوانند و
می باید که سعی نماید در دو چیز یکی اخلاص که در نماز و سایر عبادات
بقصد اطاعت امر الهی واقع سازد نه بقصد ریا و دوم آنکه قرائت را
درست کند و حرفها را از مخارج ادا نماید و وقف در موضع وصل و و
صل در موضع وقف نکند و اگر اینها بعمل نیاید مشهور میان علماء
آنست که نمازش باطل است و باید دانست که تعقیب نماز یعنی ذکر خدا
و قرآن و دعا بعد از نماز خواندن متمم نماز است و موجب حصول مطالب

دنیا

دنیا و آخرت و احادیث بسیار است در فضیلت آن و بهتر آنست که در
وقت تعقیب با وضو باشد و رو بقبله نشسته باشد سخن نگوید در اثنای
تعقیب خصوصا در تعقیب نماز شام و ظاهر اینها موجب کمال تعقیب است
و بر هر حالی که بعد از نماز مشغول دعا و قرآن و ذکر باشد ثواب تعقیب فی
الجمله دارد اگر چه در راه رفتن یا سواری باشد و تعقیب هر نماز بعد از سلام
نماز سنت است که سه مرتبه الله اکبر بگوید و در هر مرتبه دست را تا محاذی
گوش بلند کند پس بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَ
عْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ
یُحْیِی وَیُمِیتُ وَیُمِیتُ وَیُحْیِی وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ پس بگوید اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْکَ السَّلَامُ وَلَکَ السَّلَامُ وَاِلَیْکَ یَعُودُ السَّلَامُ سُبْحَانَ
رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا یَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ
عَلَی الْاَئِمَّةِ الْهَادِینَ الْمَهْدِیِّینَ اَلسَّلَامُ عَلٰی جَمِیعِ اَنْبِیَاءِ اللّٰهِ وَرُسُلِهِ
وَمَلَائِکَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِینَ اَلسَّلَامُ عَلٰی اَمِیرِ
الْمُؤْمِنِینَ اَلسَّلَامُ عَلَی الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَسَیِّدَیْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ
اَجْمَعِینَ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ اَلسَّلَامُ عَلٰی جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ اَلسَّلَامُ عَلٰی مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْکَاظِمِ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَلِیِّ بْنِ
مُوسَی الرِّضَا اَلسَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِیٍّ الْجَوَادِ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَلِیِّ ابْنِ الْهَادِی مُحَمَّدٍ
اَلسَّلَامُ عَلَی ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ عَلِیٍّ الزَّکِیِّ الْعَسْکَرِیِّ اَلسَّلَامُ عَلَی الْحُجَّةِ ابْنِ الْحَسَنِ
الْقَائِمِ الْمَهْدِیِّ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ پس تسبیح حضرت فاطمه

صلوات الله علیها را بخواند که ان بهترین تعقیبات است حتی انکه منقول است
که تسبیح ان حضرت را بعد از هر نماز خواندن بهتر است از انکه هر روز
هزار رکعت نماز بکند و کیفیت ان انست که اول سی و چهار مرتبه الله
اکبر بس سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله بگوید
و سنت است که بعد از این یکمرتبه لا اله الا الله نیز بگوید و این تسبیح را
در وقت خواب خواندن نیز ثواب بسیار دارد و بهتر انست که تربت
حضرت امام حسین علیه السلم حساب از ان نگاه دارد بس سه مرتبه بگوید
اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَاَتُوْبُ
اِلَیْهِ بس بگوید اَعُوْذُ بِوَجْهِکَ الْکَرِیْمِ وَعِزَّتِکَ الَّتِی لَا یَمْتَنِعُ مِنْهَا شَیْءٌ
مِنْ شَرِّ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ کُلِّهَا و ایضا بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْئَلُکَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَرٍّ اَحَاطَ بِهِ
عِلْمُکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ عَافِیَتَکَ فِی اُمُوْرِی کُلِّهَا وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ
خِزْیِ الدُّنْیَا وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ بس بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ
اَجِرْنِی مِنَ النَّارِ وَارْزُقْنِی الْجَنَّةَ وَزَوِّجْنَا الْحُوْرَ الْعِیْنِ و ایضا سنت است
که سورهٔ حمد بخواند و سورهٔ قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و این
ایات را بخواند خصوصا ایة الکرسی اَللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ لَا
تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ
عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ اَیْدِیْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیْطُوْنَ بِشَیْءٍ
مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَلَا یَؤُدُهُ
حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ لَا اِکْرَاهَ فِی الدِّیْنِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ

الغی

مِنَ الغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالعُرْوَةِ
الوُثْقىٰ لَا انْفِصامَ لَها وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ اللهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ
مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيآؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ
مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ أُولٰئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ بس بگوید
شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَالمَلآئِكَةُ وَأُولُوا العِلْمِ قآئِماً بِالقِسْطِ لَا
إِلٰهَ إِلَّا هُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللهِ الإِسْلامُ وَمَا اخْتَلَفَ
الَّذِينَ أُوتُوا الكِتابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما جآءَهُمُ العِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِا
يَاتِ اللهِ فَإِنَّ اللهَ سَرِيعُ الحِسابِ بس بگوید قُلِ اللّٰهُمَّ مالِكَ المُلْكِ تُؤْتِي
المُلْكَ مَنْ تَشآءُ وَتَنْزِعُ المُلْكَ مِمَّنْ تَشآءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشآءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشآءُ
بِيَدِكَ الخَيْرُ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَتُولِجُ النَّهارَ
فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الحَيَّ مِنَ المَيِّتِ وَتُخْرِجُ المَيِّتَ مِنَ الحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشآءُ بِغَيْرِ
حِسابٍ بس بگوید اللّٰهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ
انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكاتِكَ بس بگوید اللّٰهُمَّ أَغْنِنِي
بِحَلالِكَ عَنْ حَرامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِواكَ بس بگوید رَضِيتُ بِاللهِ رَبّاً
وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً وَبِالإِسْلامِ دِيناً وَبِالقُرْآنِ كِتاباً وَبِالكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِعَلِيٍّ
وَلِيّاً وَإِماماً وَبِالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وَعَلِيِّ ابْنِ الحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى ابْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ ابْنِ مُوسَى الرِّضا وَمُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنِ ابْنِ عَلِيٍّ وَالحُجَّةِ ابْنِ الحَسَنِ صَلَواتُ اللهِ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَئِمَّةً اللّٰهُمَّ رَضِيتُ بِهِمْ أَئِمَّةً فَارْضَنِي لَهُمْ إِنَّكَ عَلىٰ
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بس بگوید

وعایشة وحفصة وهند وام الحکم اللهم العن بنی امیة جمیع اعداء
آل محمد پس ده مرتبه بخواند این دعا را خصوصا در صبح وشام اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریك له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ
صاحبة ولا ولدا پس بگوید استودع الله العظیم الجلیل نفسی و
اهلی ومالی وولدی ومن یعنینی امره واستودع الله المرهوب المخوف
المتضعضع لعظمته کل شیء نفسی واهلی ومالی وولدی ومن یعنینی
امره پس بگوید توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن له ولی من الذل
وکبره تکبیرا پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله را زیارت کند باین
نحو السلام علیك یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته السلام علیك
یا محمد بن عبد الله السلام علیك یا صفوة الله السلام علیك یا حبیب
الله السلام علیك یا امین الله اشهد انك رسول الله واشهد
انك محمد بن عبد الله واشهد انك قد نصحت لامتك وجاهدت
فی سبیل ربك وعبدته حتی اتاك الیقین فجزاك الله یا رسول الله
افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد وآل محمد افضل
ما صلیت علی ابراهیم وآل ابراهیم انك حمید مجید وچون از تعقیب
فارغ شود وخواهد بسجده رود بگوید سبحان ربك رب العزة
عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین اما
تعقیب مخصوص بعضی از نمازها بعد از پیشین سنت است که بدست
راست ریش خود را بگیرد وکف چپ را بسوی آسمان بلند کند وبگوید
یا رب

یا ربّ محمّد و آل محمّد صلّ علی محمّد و آل محمّد و اعتق رقبتی من النّار
و ایضا بگوید اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و عجّل فرجهم و بعد از نماز
پیشین سنّت است که هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله ربّی و اتوب الیه
و سنّت است که ده مرتبه سورهٔ انّا انزلناه بخواند و بعد از نماز شام و نماز
صبح هفتاد مرتبه بگوید بسم الله الرّحمن الرّحیم لا حول و لا قوّة الّا با
الله العلیّ العظیم و صد مرتبه بگوید بهتر است و بهفت مرتبه نیز
اکتفا میتوان کرد تا هفتاد نوع بلا از او دور کردد و ایضا سنّت
مؤکّد است که بعد از این دو نماز ده مرتبه بگوید لا اله الّا الله وحده
لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حیّ
لا یموت بیده الخیر انّک علی کلّ شیء قدیر و اگر پیش از بر آمدن آفتاب
و پیش از فرو رفتن آفتاب بخواند نیز خوب است و بعد از نماز شام سه
مرتبه بگوید الحمد لله الّذی یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء غیره
و بعد از نماز خفتن سنّت است هفت مرتبه سورهٔ انّا انزلناه بخواند و
سنّت است در هر صبح و شام سیصد مرتبه بگوید الحمد لله ربّ العالمین
کثیرا علی کلّ حال و ایضا سنّت مؤکّد است که نزدیک بطلوع آفتاب
و نزدیک بغروب آفتاب ده مرتبه بگوید اعوذ بالله من الشّیطان
السّمیع العلیم من همزات الشّیاطین و اعوذ بالله ان یحضرون
انّ الله هو السّمیع العلیم و بدانکه بعد از فارغ شدن از تعقیب
بعد از هر نماز سجدهٔ شکر سنّت مؤکّد است و در این سجده برخلاف
سجدهای دیگر سنّت است که دستها را بر زمین بخواباند و سینه و

شکم را بزمین برساند و هرچند این سجده را طول دهد بهتر است و اقلش
آنست که پیشانی را بر زمین گذارد پس پهلوی چپ رو را بر زمین گذارد
پس باز پیشانی را بر زمین گذارد و ذکری بکند اگرچه الحمد لله یا سبحان
الله یا یا الله باشد و اگر بلغت فارسی یا لغت دیگر دعا کند و حاجتهای
خود را بطلبد خوبست و بهتر آنست که اول پیشانی را بگذارد و صد مرتبه
العفو العفو بگوید پس جانب راست رو را بر زمین گذارد و سه مرتبه بگوید
یا الله یا ربّاه یا سیّداه پس جانب چپ رو را بگذارد و همین دعا را سه مرتبه
بگوید پس باز پیشانی را بگذارد و صد مرتبه شکرا شکرا بگوید بهتر است
پس بگوید أَسْئَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ پس بگوید
سَجَدَ وَجْهِيَ اللَّئِيمُ لِوَجْهِ رَبِّيَ الْكَرِيمِ پس حاجتهای خود را بهر زبان که داند
از خدا بطلبد و اگر در گذاشتن یک طرف رو ده مرتبه یا الله و در طرف
دیگر ده مرتبه یا رب بگوید خوبست و اگر یا الله یا ربّاه در این سجدها
بگوید بسیار حاجتش بر آورده میشود پس سر را بر دارد و سه مرتبه دست
راست را بزمین یا موضع سجده بمالد و بجانب چپ رو بکشد تا پیشانی و
از پیشانی بجانب راست رو بمالد از آنجا بسایر بدن بکشد و اگر
در هر مرتبه این دعا بخواند بهتر است بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ
وَالسُّقْمِ وَالْعَدَمِ وَالصَّغَارِ وَالظُّلْمِ وَالْفَوَاحِشِ مِنْهَا مَا ظَهَرَ وَمَا بَطَنَ
و چون از جای نماز برخیزد سنت است که بجانب راست حرکت کند این مختصر است
از دعاها و اذکار که در اینجا ذکر کردیم و سایر ادعیه را در کتاب مقباس بیان کرده‌ایم
تمام

قزوین شهر
۱۳۲۱ه